

### مقایسه ی چگونگی باز نمونی

## "رویداد تاریخی دمدم در دو روایت بیت دمدم و عالم آرای عباسی"

یونس قربانی فر\*

### چکیده

رویداد دمدم شرح یکی از درگیری ها و جنگ های کردهای غرب ایران به رهبری امیرخان با حکمرانان صفویه بود. این حادثه در دوران شاه عباس اول رخ داد. کردها در این حادثه شکست خوردند و قلعه آنان به نام دمدم ( نزدیک ارومیه فعلی) به تصرف نیروی نظامی صفوی در آمد. شرح این رویداد به تفصیل در "عالم آرای عباسی" نوشته اسکندر بیگ منشی آمده است. تنها منبع به زبان کردی که از این حادثه یاد کرده، داستانی منظومه ای به نام "بیت دمدم" است. گوینده یا گویندگان ناشناس این داستان منظومه ای با بیانی حماسی و در چارچوب یک گفتمان روایی حماسی- مذهبی به شرح این رویداد پرداخته‌اند. مساله بازنمایی این حادثه در این دو منبع که اولی اثری تاریخ نگارانه است و دومی در قالب ادبیات عامه می‌گنجد، مساله این نوشتار است. مقایسه‌ی این دو منبع نشان می‌دهد که این دو منبع در شیوه‌ی بازنمایی، منظرها و ارزش‌های ایدئولوژیک راوی، روایت رنالیستی و سوررئالیستی از امر واقع تاریخی و در نهایت قضاوت درباره‌ی رخداد مورد نظر در تمایز با یکدیگر می‌باشند و رویداد دمدم در هر یک از این دو منبع بازتاب متفاوتی یافته است. عالم آرا یک اثر سفارشی دستگاه سلطه مرکزی است که کاربرد زور و خشونت را برای قدرت مرکزی و حذف رقیبان مشروع می‌داند، ولی مقاومت قدرت های غیر مرکزی را نامشروع و یاغیگری تلقی می‌نماید. ولی بیت دمدم مقاومت اهالی

\* دانشجوی دکترای تاریخ ایران اسلامی / دانشگاه تربیت مدرس

دمدم را مقاومتی مشروع می‌داند. در واقع هر یک از این دو ژانر به دنبال مشروعیت بخشی به کنش سیاسی کنشگران متن می‌باشند. البته یک تفاوت مهم وجود دارد: عالم آرا اثر سفارشی دستگاه سلطه مرکزی است و در واقع روایت دستگاه سلطه از اعمال قدرت و خشونت خود است. ولی بیت دمدم روایت مردم از مقاومت خود در برابر دستگاه سلطه می‌باشد.

**واژگان کلیدی:** بیت دمدم، عالم آرای عباسی، قلعه دمدم، امیرخان



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

## مقدمه

گزارش رویدادهای تاریخی در منابع مختلف و متنوعی انعکاس یافته اند؛ آثار تاریخ نگارانه، اسناد و مدارک، داستان ها و حکایات، اسطوره ها و افسانه ها، هر کدام از این منابع به نحوی خاص و به شکلی مخصوص به خود، گذشته را روایت می کنند. می توان گفت که در میان این منابع، گزارش آثار تاریخ نگارانه برای بیشتر مورخان در اولویت توجه و ارجعیت در باورپذیری قرار دارند و به دیگر منابع به عنوان منابع کمکی یا کامل کننده نگریسته می شود. شاید دلیل اصلی این شیوه برخورد با منابع متعدد تاریخی این باشد که آثار تاریخ نگارانه با هدف ثبت و ضبط منظم گذشته به نگارش در آمده اند، اما دیگر منابع با چنین قصد و نیتی تولید نگشته اند، بلکه هر کدام با نیت و اهدافی منحصر به خود خلق شده اند. اما اهمیت آثار تاریخ نگارانه یا اولویت دهی اعطا شده به آنها از سوی مورخان به معنای نفی و نادیده انگاشتن دیگر منابع تاریخی نیست، چرا که این منابع در برخی جهات و در پاره ای از ابعاد می-توانند بهتر از آثار تاریخ نگارانه وجوه مختلف یک رویداد را به نمایش بگذارند یا اینکه یک رویداد را از منظر نگرش ها، ارزش ها و داوریهای متفاوتی مورد توجه قرار دهند. برای مطالعه گذشته ی ایران، منابع مختلف تاریخی میراثی غنی در اختیار مورخان و محققان قرار داده اند، هر کدام از این منابع به انحاء و اقسام متنوع و منظرهای گوناگون به روایت گذشته ایران می پردازند و این روایت گذشته- صرف نظر از مقصود از این روایتگری- وجه مشترک تمامی این منابع می باشد. در گذشته ایران نمونه ای زیادی وجود دارد که یک رویداد تاریخی همزمان در چندین منبع گزارش شده یا روایت شده است. مقایسه این روایت ها با توجه نوع منابع نشان خواهد داد که گزارشگری و روایتگری هر کدام چگونه صورت می گیرد و به عبارتی، هر کدام از این منابع چگونه گذشته را بازنمایی می کنند؟

یکی از رویدادهای خرد دوره ی صفوی در دوره شاه عباس صفوی "تصرف قلعه دمدم" در اطراف ارومیه بود. هر چند این رویداد مانند دیگر رویدادهای کلان این عصر توجه مورخان ایرانی را به خود جلب ننموده است و نمی توان آن را جزو اولویت های روایتگری مورخان آن زمانه و ادوار بعد دانست. علی رغم این واقعیت تصرف دمدم در

منطقه و محل وقوع آن یعنی در کردستان بازتاب گسترده‌ای داشته و تبلور آن در فولکلور کردستان دلیلی بر این مدعاست. این رویداد در قالب یک داستان شفاهی فولکلور با نام "بیت دمدم" به زبان کردی به جامانده و جایگاه ویژه‌ای در ادب شفاهی کردستان به خود اختصاص داده است. در میان آثار تاریخ نگارانه‌ی عصر صفوی شرح مفصل این رویداد در کتاب "عالم آرای عباسی" آمده و مولف این کتاب "اسکندر بیگ منشی" خود در جریان لشکرکشی و تصرف این قلعه حضور داشته است. در این مقاله تلاش بر این است این دو روایت و گزارش از رویداد مذکور مورد مقایسه قرار گیرد تا مشخص گردد این رویداد در دو ژانر کاملاً متفاوت "بیت دمدم" و "عالم آرای عباسی" چگونه بازنمایی می‌شود.

### بیت

چنانکه اشاره شد، رویداد تصرف دمدم در یک داستان فولکلور کردی به نام "بیت دمدم" نقل شده است؛ بنابر این لازم است در ابتدا توضیحی درباره‌ی "بیت" داده شود. بیت در واقع یک ژانر ادبیات شفاهی کردستان است. گرچه این ادبیات در ایران چندان شناخته شده نیست، ولی نزد محققان کردی یا برخی از شرق شناسان موضوع بررسی و تحقیقات زیادی بوده است. اسکارمان آلمانی یکی از اولین افرادی است که اقدام به گردآوری این بیت‌ها نموده و در قالب کتابی با عنوان "تحفه مظفریه" به چاپ رسانیده است. "او در اوایل قرن بیستم به شهر مهاباد آمده و با همکاری دکتر جواد قاضی و یک بیت خوان محلی به نام رحمان بکر این بیت‌ها را گردآوری کرده و آنها را در سال ۱۹۰۵ میلادی در آلمان منتشر نموده است" [۱]. علاوه بر این "در شوروی سابق نیز دو مولف به اسامی "جوندی" و "افدال" مجموعه‌ای از این بیت‌ها را در قالب کتابی ۶۶۴ صفحه‌ای منتشر کرده‌اند... در سال ۱۹۵۶م "عبداله ایوبیان" برای اولین بار - در ایران - بیت خج و سیامند را منتشر کرد... [۲]. علاوه بر این کسانی چون قادر فتحی قاضی و احمد بحری تحقیقات جامعی درباره‌ی بیت‌ها انجام داده‌اند. در کنار این افراد، باید به اسامی کسانی چون رودنکو و لسکو نیز اشاره نمود.

برای اینکه تصور روشنی از بیت‌های کردی داشته باشیم، باید این مساله را مورد توجه قرار دهیم که زبان کردی سابقه‌ای طولانی در کتابت و نگارش ندارد و به

زحمت می توان سابقه ای فراتر از سیصد سال برای آن متصور شد. در فقدان کتابت، یک سنت شفاهی گسترده در کردستان شکل گرفته که ژانرهای مختلف فولکلور را در خود جای داده است؛ لاوک، بیت، حیران و هوره. هر کدام از این ژانرها گستره ی وسیعی از داستان ها، سرودها، آوازاها و حکایات گوناگون را در بر می گیرد. بیت یکی از این ژانرهای فولکلور می باشد. بیت از لحاظ فرم ترکیبی از بیان موزون و غیرموزون است و به عبارتی، ترکیبی از نظم و نثر می باشد. "بیت اگر چه داستان است ولی نمی توان آن را داستان محض نامید، زیرا علی رغم داشتن بسیاری از عناصر و ویژگی های داستان، عناصر پررنگ درام هم در آن وجود دارد، در عین حال نمی توان آن را داستانی دراماتیک نامید، زیرا عناصری قدرتمند از شعر هم در آن وجود دارد، در نتیجه ساختار کلی بیت متشکل از عناصر داستان، درام و شعر می باشد" [۳]. بیت ها را از لحاظ موضوع و محتوا می توان به چهار دسته تقسیم نمود؛ عاشقانه - حماسی، تاریخی، دینی و عرفانی. بیت دمدم را باید جزو بیت های تاریخی به حساب آورد.

### بیت دمدم

محمد مختاری در "حماسه در رمز و راز ملی" قائل به یک پیش مرحله در شکل گیری حماسه می باشد که این پیش مرحله را می توان با بیت دمدم منطبق دانست؛ "این گونه شعر داستانی [حماسه]، منظومه ای بزرگ و چند سویه است که آمیزه اسطوره و تاریخ و افسانه و فولکلور است، و غالباً در مرحله نخستین یا دوران پیدایش خود، از داستان- سروده ها و روایت های شفاهی پراکنده در ستایش پهلوانان و یادکردهای قومی و نبردهای خاندانی و... آغاز می شود و در مرحله پایانی یا دوران تدوین و تنظیم هنری خود، به صورت منظومه ای یگانه با مشخصات ملی در می آید" [۴]. اگرچه همه آنچه مختاری درباره مرحله اولیه شکل گیری حماسه بیان می کند درباره بیت مزبور صادق نیست، اما چند سویه بودن و ستایش پهلوانان هر دو درباره این بیت مصداق دارد. برخلاف دیگر روایت های شفاهی در ایران، بیت دمدم هیچ گاه به صورت منظومه ای درنیامد، اما بتدریج به یادکرد قومی تبدیل گردید.

مختاری در جایی دیگر اشاراتی دقیق تر به این داستان - سروده ها دارد و معتقد است؛ "این داستان - سروده ها] میراث سراینندگان گمنام است، و گزارش آنها معمولاً از سوی راویان و خنیاگران دوره گرد، صورت پذیرفته است و تنها پس از طی روزگاری و در برخی حالات، به نوشته در آمده است" [۵]. از دیگر نکاتی که باید در مورد بیت دمدم مورد توجه قرار داد این است که این روایت های شفاهی مدام از سوی راویان مورد دخل و تصرف قرار می گیرند. "شکل بیان و ارتباط در جامع سنتی قصه است... رفتار عامیانه قصه گوین رفتار دخل و تصرف در قصه ها و روایات است نه رفتاری از روی یک فرهنگ ادبی و منضبط، موضوعها و مضمون های مرکزی داستان ها و روایات اساساً ثابت می مانده است، اما جزئیات و تاکیدها تغییر می کرده است. چون هم علاقه‌ی گوناگون قصه گوین و راویان و خنیاگران به چنین در گونیهای رغبت داشته است و هم تمایلات و روحیات شنوندگان و مخاطبان" [۶]. در بیت دمدم که راویان محلی تا اواخر دهه ی پنجاه آن را در روستاهای کردستان نقل می کردند، این دستکاری ها و دخل و تصرف ها مشهود است. به ویژه بخش پایانی بیت که کاملاً مشخص است توسط راوی یا راویانی دستکاری شده و ارتباطی با روایت اصلی بیت ندارد.

بر این اساس بیت ها، و در اینجا بیت دمدم، داستان - سروده‌های شفاهی هستند که سابقه و پیشینه‌ی آنها به قبل از دوره ی کتابت - در اینجا منظور کاربرد نوشتاری زبان کردی است و گرنه در کردستان مراکز و حوزه های مختلف دینی و علمی وجود داشته که از زبان فارسی و عربی بهره می گرفتند - در کردستان می رسد. این ژانر ادبی شفاهی در پیکره بندی خود متشکل از عناصر داستان، درام و شعر می باشد و از لحاظ فرم ترکیبی از بیان موزون و غیر موزون است. در این مقاله بیت دمدم بر اساس آنچه اسکارمان در کتاب خود ضبط نموده و همچنین روایت یک راوی محلی به نام محمد غزالی مورد استناد قرار گرفته است.

## رویداد دمدم

از ابتدای پیدایی دولت شیعه مذهب صفوی و تلاش تدریجی و خشونت بار این دولت در شیعه سازی ایران، اکثر کردها در نواحی غربی قلمرو سیاسی این دولت در برابر این سیاست به اعتراض و مقابله برخاستند. اما با تحکیم قدرت صفویه کردها در اتخاذ یک سیاست یکسان دچار تشمت گشتند و تقریباً در دوسویه ی مقابله با صفویان شیعه مذهب و هواداری از عثمانی های سنی مذهب در نوسان بودند. در کردستان قرار گرفته در قلمرو صفویه که از این دوره کم کم به دو منطقه ی مشخص "موکریان" و "اردلان" تقسیم می شود، دو سیاست کاملاً متفاوت در برابر صفویان در پیش گرفته شده بود؛ اردلان ها در همگامی با صفویان بودند ولی موکریان ها کشاکش های فراوانی با صفویه داشتند. البته نه آن همگامی اردلان ها شکل مطلق داشت و نه آن کشاکش موکریان ها. اما موکریان ها تجربیاتی تلخ از برخورد و جنگ با صفویان داشتند و رویداد دمدم از آن جمله بود. امیرخان که از امیران محلی منطقه برادوست در اطراف ارومیه بود به واسطه همگامی و همراهی با شاه عباس از او حکومت ای ناحیه را دریافت می کند. اما امیرخان با حکام محلی آذربایجان و سپس شاه عباس دچار اختلاف می شود. او در قلعه ای قدیمی که به تازگی آباد کرده بود پناه می گیرد و لشکرین صفوی قلعه را محاصره می کنند. محاصره چندین ماه طول می کشد ولی سرانجام امیرخان شکست خورده و قلعه نیز تصرف می شود. بیت دمدم و عالم آرا هر کدام به گونه ای به این روایت پرداخته اند که اینک به مقایسه روایتگری آنها می پردازیم.

### چگونگی آغاز روایت

عالم آرای عباسی با این عنوان گزارش رویداد را آغاز می کند؛ "ذکر مخالفت و عصیان امیرخان برادوست و رفتن جناب اعتمادالدوله به ولایت ارومی و محاصره قلعه دمدم و بیان سوانح حالات" و در اولین عبارت می نویسد؛ "شرح حال امیر خان چولاق عبرت بخش عالمیان است" [۷]. بیت با این بند - می توان بند را معادل مصراع دانست، اما بر خلاف مصراع در شعر فارسی مبتنی بر اوزان خاص عربی نیست - آغاز می شود؛ "دلَم راناوه ستی له به ر ئه وی غه می له به ر ئه وی ژانی..."

غم و درد نمی گذارد آرام گیرم و در ادمه بیت در قالب سیزده بند یا مصراع متوالی خدا، شیوخ و عرفا را به یاری می طلبد. بلافاصله پس از ذکر این طلب یاری و درخواست، بیت خوان می گوید که: "زنان خود را از قلعه به پایین پرتاب می کردند" و مصراع بعد از آن می گوید: "دلی خانی به برینه چه ند به برین به برینه" خان دلش خون است و بسی دلش خون است [۸].

پس نحوه‌ی آغاز گزارش این رویداد در دو روایت مزبور کاملا متفاوت است. اسکندر بیگ در اولین عبارت خود ذکر این روایت را بری عبرت بخشی می داند، ولی بیت با نوعی تعزیه خوانی و یاری طلبی از مقدسین و نیروهای متافیزیکی و غیبی روایتگری خود را شروع می کند.

#### قدرت گیری امیرخان

عالم آرای عباسی به شرح جریان قدرت گیری امیرخان می پردازد و در این شرح به دنبال نشان دادن اقداماتی است که سرکشی و عصیان امیرخان را ثابت کند. بنا بر گزارش اسکندر بیگ "بسیاری از قبایل و میرزاده های قبایل و عشایر اکراد به ملازمت او تصرف جسته راه خدمت می سپردند و بدین جهت در اندک روزی بخار نخوت و غرور به کاخ دماغش راه یافته در هنگامی که جنرال اغلی بولایت آذربایجان لشکر کشیده در حوالی تبریز مصاف واقع شد با وجود قرب جوار از سعادت حضور دوری جست... [۹]. اسکندر بیگ می گوید علی رغم این رفتار امیرخان، شاه عباس چشم پوشی می کند و در ادامه می نویسد؛ "او [۱۰] از تعصب مذهب یا شرارت نفس با امراء قزلباش آن سرحد عناد ورزیده سودای استقلال و استبداد در سویدای خاطرش جای گرفته بود تا آنکه رای نفاق آلودش به تمیر قلعه متین رصین قرار یافته... [۱۰]. بر اساس گزارش عالم آرا، امیرخان قلعه ای به نام دمدم که متعلق به دوره اکاسره بوده، دوباره آباد می کند و ظاهرا شاه عباس هم با تصمیم او مخالفت نورزیده است. اما پیر بوداق خان امیرالامرای تبریز این مساله را نشان از عصیان امیرخان می داند و این مطلب را به شاه گوشزد می کند [۱۱]. تعمیر و آبادانی قلعه و منزل گزیدن امیرخان در آنجا در واقع آغاز تقابل و دشمنی او با امرای محلی صفوی و سپس با شاه عباس صفوی بود. این گزارش ها در بیت موجود نیست و شاید برای سراینندگان و راویان



پیشینه امیرخان، چگونگی اختلافات اهمیتی نداشته و یا در روایت اصلی بوده، ولی توسط راویان بعدی حذف گشته است.

### ابدال خان مگری

اولین موضوعی که در بیت دمدم پس از مقدمه ی دعا گونه و استمداد طلبانه به آن اشاره می شود، سخنان امیرخان خطاب به ابدال خان مگری است. بیت می گوید خان برادوست به خان ابدال می گوید: "بلا بوت بم به برابه کی دایک و بابی به..." می خواهم برای تو مانند یک برادر خونی باشم و در ادامه به او وعده انجام کارهای مهم و خارق العاده می دهد؛ "خنجر نروی را برایت می شکنم و شمشیر دانزگی را/ تفنگ استاد شاقولی را برای تو می شکنم/کوپال... را برایت خرد می کنم یا درهم می شکنم... [۱۲].

آنچه از آن بندها برداشت می شود، این است که امیرخان به ابدال خان مگری وعده می دهد که در جنگ ها او را یاری داده و هر کاری ابدال خان بخواهد برایش انجام دهد و در کل وعده ی کمک و یاری به اوست. پس از این سخنان خان، بیت به این مساله اشاره می کند که تمام دستگاه حکومتی به دنبال ابدال خان بود و در نهایت فهمید او در قلعه دمدم پناه گرفته است [۱۳]. عالم آرا هم به قضیه ابدال خان اشاره دارد و می نویسد که "[امیرخان] به اعمالی که منافعی اخلاص و یکجتهی بود اقدام می نمود از جمله خان ابدال مگری برادر شیخ حیدر که با حضرت اعلی یلغی بود و از بیم عساکر منصوره در یورت و مسکن قدیم مجال اقامتش نماند بی سروسامان گشت در این وقت با بیست نفر از هواخواهان خود پناه به او آورد و امیرخان او را در قلعه جای داده انیس و جلیس خود گردانیده رعایت می نمود... [۱۴] هر دوی این منابع به پناه گرفتن ابدال خان در قلعه دمدم اشاره دارند و اینکه نوعی اتحاد بین این دو خان وجود داشته است.

نکته قابل توجه این است که در بیت با اشاره به اطلاع یابی دستگاه حکومتی از پناه گرفتن ابدال خان، بلافاصله به این اشاره دارد که حکومت با اطلاع از این قضیه به چاره اندیشی پرداخت. پس می توان گفت روایت بیت هم مانند عالم آرا پناه گرفتن ابدال خان را از عوامل اختلاف و حتی لشکرکشی می داند.

### گفت و گوی شاه عباس و حسن خان

در بیت پس از روایت حضور ابدال در قلعه و اطلاع یابی درباره صفویه از آن، از واکنش درباره صفویه به این نحو روایت گری می شود؛ " [که] شاه عباس از حسن خان می خواهد تدبیری بیندیشد، چون شاه نگران از قدرت گیری امیرخان بوده و می خواهد قلعه را تصرف کند زیرا هفت سال است که یاغی شده اند. [اما] حسن خان به شاه هشدار می دهد که اگر به او حمله کنیم، روم به او کمک خواهد کرد و ما را شکست می دهد و آبروی ما خواهد رفت. [ولی] شاه عباس ضمن ملامت حسن خان، به او وعده یاری می دهد [و در نهایت] حسن خان به شاه قول می دهد در طول زمستان کار را یکسره کند" [۱۵]. عالم آرا در روایت خود به چنین گفت و گویی اشاره نمی کند و جریان را به شکلی دیگر توضیح می دهد؛ " در ابتدا فرماندهی جمعیت جلالی - ظاهرا گروهی از قبیله کرد جلالی از اصفهان به سمت آذربایجان برده شده اند - و فوجی از افواج صفوی که به سمت کردستان در حال حرکت بودند، پیر بوداغ امیرالامراء تبریز بر عهده گرفته بود که امیرخان از این امر ابراز نارضایتی می کند و شاه عباس برای راضی نمودن امیرخان، حسن خان را به جای او تعیین می کند. اسکندریبگ حرکت جمعیت جلالی و فوج صفوی همراه آنها را به قصد لشکرکشی نمی داند، بنابراین درخواست پیوستن امیرخان و یا گروهی از معتمدان او به این لشکر از سوی کارگزاران صفوی امری طبیعی بر می شمارد تا از این طریق امیرخان وفاداری خود را ثابت کند. این گزارش بر خلاف روایت بیت است که از همان ابتدا از گفتگوی حسن خان و شاه عباس به قصد لشکرکشی و تصرف قلعه دمدم سخن می گوید.

### لشکرکشی به سوی دمدم

بیت خوان با لحنی هیجانی از تدارکات و آماده شدن لشکریان صفوی سخن می گوید و اینکه صفویان از تمامی نواحی و نقاط قلمرو خود مانند هرات، ایروان، رشت، کشمیر، گیلان، ارومیه و ... لشکریان را گرد هم آورده و به سمت دمدم به حرکت درآمدند و پس از آن از منازل لشکریان می گوید که در قافلانکوه - در بیت قافلانکوه

ذکر شده- اردبیل، تبریز، بناب و مراغه بوده است [۱۶]. اما در عالم آرا در ابتدا بیشتر بحث بر این است که حسن خان و دیگر کارگزاران در پی آن بوده اند که با امیرخان از باب ملائمت و مدارا وارد شود و با او درگیر نشوند، اما اسکندر بیگ معتقد است که "او [امیرخان] ابواب آشنائی را مسدود ساخت" [۱۷] البته در بیت ذکری از مذاکرات برای حل اختلاف وجود ندارد. در گزارش عالم آرا به این اشاره می شود که پس از ناکام ماندن سازش با امیرخان، اعتمادالدوله از اردبیل به سوی حسن خان می آید بدین گونه؛ "که چون عالیجناب اعتمادالدوله دستوری یافته از دارالارشاد اردبیل متوجه خدمت مزبور گشته به تبریز آمد با پیر بوداغ خان حاکم تبریز و برخورداربیک انیس توپچی باشی و توپچیان و تفنگچیان اصفهانی و خراسانی و تبریزی و بافقی که بمرافقت مامور بودند روانه ی مقصد گشتند..." [۱۸] از این لحاظ روایت بیت تا حدودی با گزارش عالم آرا مشترک است، چون هر دو از آمدن گروههای نظامی مناطق مختلف گزارش می دهند. اگر چه لحن بیت آمیخته به هیجان و اغراق باشد، و این اغراق گویی از جهت نشان دادن شمار فراوان لشکریان است.

### تلقى جنگ به عنوان یک جنگ دینی

بیت هنگام بیان منزل گزیدن لشکریان، آنها را "کفار فریب کار" می نامد یا وقتی بحث از با خبر نمودن خان از لشکرکشی می نماید، این گونه بیان می دارد که "لازم است خود را قدرتمند نماید/ چون همه علیه او بسیج شده ند/ این جنگ بر سر دین است." خان هم در پاسخ می گوید: "اگر او [شاه عباس] شاه باشد، من خان هستم/ اگر خدا پشتیبان من باشد/ قاتل همه ی شیعیان خواهم بود" [۱۹] این وجه ایدئولوژیک و ادبی در بیت بسیار پر رنگ است و در چند جای دیگر هم به آن اشاره می شود. بر این اساس راوی بیت یا شاید امیرخان لشکریان صفوی را کفار می دانسته اند و جنگ با آنان را یک جنگ مذهبی تلقی می نموده اند. از این لحاظ و از منظر بیت، جنگ مزبور یک جنگ مذهبی می باشد. حال آنکه در گزارش عالم آرا چنین چیزی به چشم نمی خورد. اگر چه اسکندر بیگ هم مانند بیت از لفظ غازی استفاده می کند، ولی جهت گیری ایدئولوژیک آن مانند بیت نیست. شاید غلیظ ترین اظهار نظر

اسکندر بیگ در مورد امرای کرد باشد که می گوید: "...امراء کرد وحشی صفتان طوایف انسانند... [۲۰]."

### جنگ و محاصره ی قلعه

در عالم آرا شرح و گزارش جنگ با بیان موقعیت قلعه و چگونگی ساختمان آن آغاز می شود و اینکه به چه ترتیبی لشکریان صفوی قلعه را محاصره کرده اند. یکی از مسائلی که اسکندر بیگ با تفصیل تمام آن را شرح می دهد، مساله آب قلعه و چگونگی تامین آن است. محاصره کنندگان با درک نیاز اهالی قلعه به آب در تلاش فراوان بوده اند تا آب قلعه را قطع نمایند و اهالی قلعه و جنگاوران امیرخان هم تلاش بر حفظ منابع آب قلعه داشته اند. نتیجه این منازعه بر سر آب آن بود که لشکریان توانستند که آب قلعه را قطع نمایند [۲۱].

بیت اگر چه جزئیات جنگ را در این مرحله توضیح نمی دهد، ولی به شکلی پیوسته و در هر بند به تعریف و توصیف از استحکام قلعه می پردازد و از توپ باران شدن قلعه سخن می گوید و نیز از مشغول بودن خان به غزوه "خان به خه زایه مه شغوله" [۲۲]. البته بیت به مساله آب قلعه هم اشاره می کند و قطع جریان آب قلعه را ناشی از خیانت یکی از افراد تسلیم شده می داند که "سولق را به سپاهیان نشان داده و کافران هم در آب سمی ریخته اند نا مسلمانان از آن نخورند" [۲۳]. در اینجا سوگیری ایدئولوژیک بیت بسیار پر رنگ است و اهالی قلعه را مسلمان دانسته و لشکریان صفوی را کافر می داند. علاوه بر این از ریختن موادی در آب حرف می زند که اسکندر بیگ هم به آن توجه دارد البته با این تفاوت که "...از سوراخ سولق کاه بسیار به گنبد ریخته آتش زده کاه دود کردند..." [۲۴].

### پایان بحران بی آبی قلعه

بعد از آنکه آب قلعه قطع می گردد، اهالی به شدت در مضیقه قرار می گیرند. بیت به این مساله اشاره دارد و حتی از اعتراض زنان قلعه به خان سخن می گوید که خان را به خاطر بی آبی مورد عتاب قرار داده اند [۲۵]. نحوه ی اعتراض این زنان به خان بسیار غیر رسمی و محاوره ای است و نحوه عتاب و خطب آنها با خان، شاید نشانگر

این باشد که در قلعه ترتیبات اداری و حاکمیتی چندان سفت و سخت نبوده است. یا اینکه بیت نمی خواهد چنین تصویری از امیر خان ارائه دهد. در نهایت کم آبی پایان می یابد. اسکندر بیگ ضمن اشاره به این کم آبی، پایان آن را این گونه به تصویر می کشد؛ "چون تسخیر سولق از زمستان تا وقت بهار و هنگام تقاطر امطار کشیده بود در این اثنا بر خلاف سال گذشته چون پیلان مست در جوش و خروش آمده بارندگی آغاز شد و از حکمت بالغه‌ی الهی که عقل عقلا به کنه آن نرسد قریب به یک ماه باران انقطاع نیافت چنانچه محصوران تا شش ماه از آب بی نیاز گشتند..." [۲۶]. بیت با اشاره به این واقعه با لحنی مبالغه آمیز می گوید: "به خاطر شرافت خاتون و خان، در تابستان برف بارید و اهالی قلعه را از بی آبی نجات بخشید" [۲۷].

### ادامه ی جنگ

بعد از پایان بحران کم آبی برای اهالی قلعه، بیت می گوید که خان اینگونه "طایفه ی غازیان" را مورد خطاب قرار می دهد؛ هر کسی می خواهد در جنگ شرکت نکند، اشکالی ندارد/ اما هر کسی در جنگ بمیرد او فدایی و غازی است. پس از این روایت رئالیستی بیت جای خود را به یک روایت سورئالیستی می دهد. خان در لشکریان خود بزرگان و شخصیت های دینی را می بیند؛ شیخ گیلانی، شیخ جنید بغدادی، سلطان معروف کرخی، شمس تبریزی، خضر، اویس قرنی، عشیره مبشره، حمزه، عمر، خالد بن ولید و دیگر بزرگان و شخصیت ها در لشکر او حضور دارند و بیت خوان هم با لحنی حماسی از این افراد یاد می کند و با آهنگی ویژه بندها را می خواند. اگرچه در بیت، بندهای فراوانی به این فضای سورئالیستی اختصاص یافته است، ولی به اختصار از ادامه ی جنگ سخن گفته می شود. بندهایی از بیت به قهرمانی و پهلوانی هرمزیگ، خان ابدال و کاکه خان اشاره دارد و در نهایت آخرین سخنان خان که می گوید: "او خان غازی است و تا زنده باشد/ مقاومت می کند و در همان حال که افراد زیادی را می کشد و خود بنا به گفته ی بیت شهید می شود" [۲۸].

اسکندر بیگ در روایت خود جرئیات جنگ را با تفصیل بیشتری توضیح می دهد. او از پیشرویهای تدریجی لشکریان به سوی قلعه و تصرف نقاط حساس و مهم قلعه

توسط آنها سخن می‌گوید و این پیشرویه‌ها به جایی می‌رسد که "امیرخان سراسیمه شد و اکراد قطع امید کردند چون جمعی از اعوان و انصار او در این معارک کشته شدند سایر محصوران متزلزل گشته آغاز بیرون آمدن کردند..." [۲۹]. پس از آن علی رغم اینکه اعتمادالدوله می‌میرد و کار لشکرکشی به تعویق می‌افتد، ولی دوباره لشکریان پیشروی را شروع می‌کنند به گونه‌ای که "امیرخان از همه طرف بلا را بر خود محیط یافت. اکراد را از جنگ و جدل منع نموده کس نزد محمد بیگ فرستاده التماس نمود که او با غازیان شاملو به قلعه در آمده او را... صیانت نماید و او را با پسران و منتسبان به سلامت به درگاه معلی رساند" [۳۰]. بنابراین و بر اساس گزارش اسکندربیگ، امیرخان تسلیم لشکریان می‌شود. در نهایت امیرخان در اثر یک توطئه یا سوء تفاهم که اسکندر بیگ به این دومی بیشتر معتقد است، کشته می‌شود. البته اسکندر بیگ از قول بعضی از کردها، روایت دیگری نقل می‌کند و آن اینکه تسلیم شدن امیرخان، نقشه‌ای بوده برای اینکه آنها هنگام جمع شدن امراء صفوی آنها را به قتل برسانند [۳۱]. در بیت به این رویدادها اشاره ای نمی‌شود. شاید این عدم اشاره به خاطر آن باشد که بیت نمی‌خواهد تسلیم شدن خان را نشان دهد و قهرمانی او را خدشه دار سازد.

### چگونگی پایان روایت گری

اسکندر بیگ گزارش خود را با توصیف و توضیح چگونگی کشته شدن امیرخان و نزدیکان او به پایان می‌برد. اما پایان بیت همراه با غمگساری و بیان اندوه و درد به خاطر کشته شدن خان و همچنین بیان حادثه‌ی خودکشی زندهای قلعه می‌باشد که خود را از قلعه به پایین پرتاب می‌کنند تا به دست سپاهیان نیفتند، اسکندر بیگ اشاره ای به این حادثه ندارد. در قسمت پایانی بیت، بخشی وجود دارد که با کل بیت در تناقض می‌باشد. در این قسمت اشاره می‌شود به اینکه سلطان [عثمانی] می‌خواهد علیه شاه قاجار لشکرکشی نماید تا انتقام حادثه‌ی دمدم را بگیرد. در این قسمت با آب و تاب به جریان لشکرکشی می‌پردازد و سرانجام سلطان به اصفهان رسیده و اهالی آنجا را مسلمان می‌نماید و از جریان قلعه دمدم هم انتقام می‌گیرد. بی‌گمان این بخش در

ادوار بعد از شکل گیری اولیه بیت به آن افزوده شده و به زحمت می توان پذیرفت که در روایت اولیه وجود داشته باشد. البته چنین الحاقاتی می تواند معنادار باشد از این لحاظ که این حادثه نزد مردمان این منطقه رویدای ناگوار بوده و آرزوی انتقام گیری شاید نزد راویان یا بیت خوانان یا مردمان عادی که این روایت شفاهی را شنیده اند، وجود داشته است.

### نتیجه گیری

آنچه شرح گذشت، مقایسه ی روایتگری دو ژانر متفاوت بود؛ عالم آرای عباسی یک اثر تاریخ نگارانه است، ژانری که مدعی بازنمونی واقعیت از سوی مولف به نگارش در آمده است. دیگری بیت دمدم که یک داستان سروده - شفاهی می باشد و در خلق آن هدف و نیتی تاریخ نگارانه وجود نداشته است. بیت با بهره گیری از عناصر مختلف داستانی، درام، شعر، اسطوره به بازگویی یک رویداد تاریخی در یک فضای دوگانه ی رئالیستی و سورئالیستی می پردازد. بیت به دنبال شرح جزئیات آن رویداد نیست، به پیشینه ی امیرخان نمی پردازد، برای راوی مهم نیست که امیرخان که بوده و چگونه به قدرت رسیده است و یا چه شد که با صفویان اختلاف پیدا کرد. بیت در واقع به یک رویداد اصلی می پردازد و آن نبرد دمدم و داستان مقاومت اهالی قلعه می باشد. بیت خوان در همان ابتدا سوگوارانه سخن آغاز می کند و سوگوارانه هم آن را به پایان می رساند. بیت روایتگر نبرد از منظر محاصره شدگان است و عالم آرا روایتگر واقعه از سوی محاصره کنندگان می باشد. عالم آرا از این منظر می خواهد یک گزارش منظم و در یک توالی زمانی از آن واقعه ارائه دهد، پیشینه ی امیرخان، چگونگی قدرت گیری او، چرایی درافتادن او با صفویان، لشکرکشی به جانب قلعه، محاصره و در نهایت تصرف آن. اسکندر بیگ داستان امیرخان را برای عبرت نقل می کند؛ از این جنبه که چگونه یک برکشیده ی شاه صفوی در نهایت به او خیانت می کند. وی همواره می خواهد به مخاطب یادآوری کند که علی رغم نافرمان و عصیان امیرخان، شاه به او نظر لطف داشته و قبل از محاصره مدام در پی آن بوده اند که او را از خیانت و سرپیچی بازدارند، اما امیرخان نپذیرفته است. ولی در بیت به بزرگی مقام شاه توجه نمی شود و چنانکه ذکر شد خان می گوید اگر شاه عباس شاه است،

من هم خان هستم. در بیت سوگیری های ایدئولوژیک مذهبی بسیار پر رنگ است، بیت برای خان مقامی به مانند یک غازی قائل است. جبهه ی نبرد را به صورت میدان جنگ و تقابل مسلمانان که اهالی قلعه باشند و کافران که صفوی باشند به تصویر می کشد. عالم آرا هم به لفظ غازی اشاره دارد، ولی چنین دوگانه سازی در آن به چشم نمی خورد. عالم آرا مقید به شرح رئالیستی است، ولی بیت این تقید را ندارد و در شرح جنگ نهایی تصویری کاملا سورئالیستی ارائه می دهد. عالم آرا به شرح کل ماجرا با تفصیل و ذکر جزئیات و حتی جریان های بعد از آن می پردازد، ولی بیت تلاشش بر شرح نبرد قلعه و مقاومت اهالی می باشد. در واقع بیت، شرح مقاومت گروهی اقلیت است که به محاصره ی انبوهی از لشکریان اکثریت درآمده‌اند و این مقاومت حتی زنان قلعه را هم شامل می گردد که برای نیفتادن به دست دشمن خود را از قلعه به پایین پرتاب می کردند.

در پایان می توان گفت اگر چه ژانر بیت مانند ژانر یک اثر تاریخ نگارانه به بازنمونی واقعیت نمی پردازد، ولی واقعیت را به شکلی دیگر باز می تاباند. این شکل اگر چه ممکن است که پای بندی اش به توصیف رئالیستی امور کم باشد یا نوسان داشته باشد. اما به هر حال از منظری جداگانه و ارزش هایی متفاوت به واقعیت نگاه می کند.

#### پی نوشت:

۱. اسکارمان، ۱۳۶۴، صص ۱۳، ۱۴.
۲. محمودزاده، ۱۳۸۱، ص ۵.
۳. پیشین، ص ۳۱.
۴. مختاری، ۱۳۷۹، ص ۲۷.
۵. پیشین، صص ۳۱، ۳۲.
۶. پیشین، ص ۳۶.
۷. اسکندریبگ منشی، ص ۷۹۱، ۱۳۵۰.
۸. اسکارمان، پیشین، صص ۲۰۱، ۲۰۲.



۹. اسکندربیگ، پیشین، ص ۷۹۲.

۱۰. پیشین، ص ۷۹۲.

۱۱. پیشین، صص ۷۹۲، ۷۹۳.

۱۲. اسکارمان، پیشین، صص ۲۰۲، ۲۰۳.

۱۳. پیشین، ص ۲۰۳.

۱۴. اسکندربیگ، پیشین، ص ۷۹۳.

۱۵. اسکارمان، پیشین، صص ۲۰۳، ۲۰۴.

۱۶. اسکارمان، صص ۲۰۵، ۲۰۶.

۱۷. اسکندربیگ، ص ۷۹۴.

۱۸. پیشین، ص ۷۹۵.

۱۹. اسکارمان، صص ۲۰۶، ۲۰۷.

۲۰. اسکندر بیگ، ص ۷۹۲.

۲۱. پیشین، صص ۷۹۷، ۸۰۰.

۲۲. اسکارمان، صص ۲۰۷، ۲۰۹.

۲۳. پیشین، ص ۲۰۹.

۲۴. اسکندر بیگ، ص ۸۰۰.

۲۵. اسکارمان، پیشین، ص ۲۱۰.

۲۶. اسکندر بیگ، پیشین، ص ۸۰۰.

۲۷. اسکارمان، صص ۲۱۱، ۲۱۵.

۲۸. اسکندربیگ، ص ۸۰۹.

۲۹. پیشین، ص ۸۰۹.

۳۰. پیشین، صص ۸۱۰، ۸۱۱.

۳۱. اسکارمان، صص ۲۲۱، ۲۲۶.



گروه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
رتال جامع علوم انسانی

### کتابشناسی

#### الف؛ فارسی

- ترکمان، اسکندربیگ ترکمان، عالم آرای عباسی، ج ۲، تصحیح ایرج افشار، انتشارات امیر کبیر، تهران ۱۳۵۰.
- مختاری، محمد، حماسه در رمز و راز ملی، توس، تهران، ۱۳۷۹.
- شمیسا، سیروس، انواع ادبی، فردوسی، تهران ۱۳۷۵.
- صفا، ذبیح الله، حماسه سرایی در ایران، امیرکبیر، تهران، ۱۳۵۲.
- حق شناس، علی محمد، مقالات ادبی زبان شناختی، نیلوفر، تهران، ۱۳۷۰.
- مارتین، والاس، نظریه های روایت، ترجمه ی محمد شهباز، هرمس، تهران، ۱۳۸۲.
- احمدی، بابک، رساله تاریخ، مرکز، تهران ۱۳۸۷.
- استنفورد، مایکل، درآمدی بر فلسفه تاریخ، ترجمه ی احمد گل محمدی، نشر نی، تهران ۱۳۸۲.
- گلشیری، هوشنگ، باغ در باغ (مجموعه مقالات)، جلد دوم، نیلوفر، تهران ۱۳۷۸.

#### ب؛ کردی

- ئوسکارمان، تحفه مظفریه، پیشه کی و ساخکردنه وه ی ماموستا هیمن، سیدیان، مهاباد ۱۳۶۴.
- مه حمود زاده، ره هبه ر، پیکهاته ی به یتی کوردی، انتشارات صلاح الدین ایوبی، ارومیه ۱۳۸۱.
- به حری، ئه حمه د، گه نجی سه ر به مور، په خشی سه ر ده م، سلیمانی ۲۰۰۱.
- سی دی صوتی بیت خوان محمد غزالی (متوفی ۱۳۶۴).

#### ج؛ انگلیسی

-The history and narrative reader.edited by Geoffrey Roberts.  
Rouledge. london. 2001.